

شده اند که این ها برای جامعه مشکلات متعددی مثل اعتیاد، ناامنی و... را ایجاد می کنند و این به خاطر این است که نهاد خانواده به هم ریخته است. نهاد خانواده را باید درست کنیم. به طوری که همه اعضای خانواده از والدین و فرزندان مولد باشند. نهاد دولت نیز باید اصلاح شود. الان نهاد دولت همه کار انجام می دهد در حالی که خیلی از کارهایی که دولت انجام می دهد وظیفه اش نیست و برعکس برخی از وظایفش را نیز انجام نمی دهد. البته این فقط مختص دولت نیست بلکه برای مجلس هم همین اتفاق در حال رخ دادن است. وقتی می گوئیم نهاد دولت منظور فقط قوه مجریه نیست بلکه نهاد دولت مجموعه ای از قوا و نهادهاست که منظور همان نهاد حکومتی است بنابراین زیر ساخت های جامعه که ۸،۷ تا نهاد اصلی جامعه است باید در آن ها تحول ایجاد شود.

در سیاست، نهاد های سیاسی متحول شد، ولی در اقتصاد، نهاد های اقتصادی متحول نشده اند. نهاد دموکراسی متحول شده است نهاد آزادی، نهاد قانون در ایران متحول شده است. لذا در بعد سیاسی گام بلندی برداشتیم اما در زندگی مردم خیلی عقب هستیم. چرا که آن انقلابی که در عرصه سیاست رخ داد در عرصه زندگی مردم رخ نداده است و ما بسیاری از اقداماتی که در اقتصاد ایران انجام می شود همان روش هایی است که قبل از انقلاب در اقتصاد استعماری صورت می گرفته.

برخی از کارشناسان از اقتصاد مقاومتی تعبیر به انقلاب اقتصادی می کنند یا عباراتی شبیه به این. بحث این است که در انقلاب اسلامی ما با توجه به اهداف انقلاب ساختارهای جدیدی ایجاد کردیم مثل سپاه و یا کمیته امداد یا این انقلاب اقتصادی هم برای پیش برد اهدافش نیازمند تشکیل ساختارهای جدید هست یا خیر؟ یا این که می توان در بسترهای قبلی ادامه فعالیت داد؟ به عنوان مثال ساختارهایی مثل بانک مرکزی در شرایط تحریم بانکی فعلی می توانند نقش خود را ایفا کنند؟

بانک مرکزی وظیفه اصلی اش کنترل و تولید پول است. سیاست های پولی تنظیم می کند. انتشار پول را کنترل می کند. اما روابط و مناسبات و روش های بانک مرکزی باید متناسب با تحریم ها عوض شود مثلاً در گذشته ما یک سیستم نقل و انتقال پول الکترونیک داشتیم که از طریق فکس کار می کرد که به آن سوئیفت می گفتند. الان آن سیستم برای ما بسته است. ما نمی توانیم منتظر باشیم تا کی برای ما باز شود. بالاخره باید آن خلأ را بایک ابداع جدید حل و فصل کنیم. شاید ایجاد یک پول منطقه ای و یک سیستم نقل و انتقال منطقه ای بتواند مشکل ما را حل کند. الان یک تعداد کشور در منطقه داریم که می توانیم مشکل را حل کنیم. البته اصل تحریم بانک مرکزی باعث نمی شود که ما بانک را حفظ نکنیم. اما می توانیم مناسبات را تغییر دهیم.

آقای دکتر منظور این است که ساختارهای اقتصادی در شرایط فعلی اقتصاد جوابگوی نیازهای جامعه است؟ یا این که نیازمند تشکیل ساختارهای جدید هستیم؟

بله حتماً باید ساختارهای جدید به وجود بیاوریم. یعنی ساختارهای هم پولی و هم مالی جدید، ساختارهای تجاری جدید به وجود بیاوریم. بعضی از فعالیت ها را هم باید اولویت بندی کنیم.

مثلاً فرض کنیم گردشگری یکی از راه های خنثی سازی تحریم هاست

تحریم ها. سوال این است که مگر وضعیت ما قبل از تحریم ها خوب بود؟!

در واقع باید تحریم ها را تبدیل به یک خیزش کنیم به یک انقلاب تبدیل کنیم که نه تنها تحریم ها را خنثی کنیم بلکه اقتصاد ملی ایران را درست کنیم.

اقتصاد ملی ایران اول باید اسلامی باشد. نمی شود انقلاب اسلامی صورت گرفته باشد ولی ما هنوز اقتصادمان اسلامی نباشد. دوم اینکه اقتصاد ما باید ملی باشد یعنی با منابع بومی فرهنگ ما سازگاری داشته باشد بنابراین من معتقدم ما می توانیم این تحریم هایی که تحمیلی هم هست را تبدیل به یک فرصتی برای شکوفایی اقتصاد ایران بکنیم و انتهای آن اقتصاد ملی ایران را احیا کنیم.

اگر یک مروری داشته باشیم بر ۱۰ اصل اقتصاد مقاومتی که در خلال مباحث مطرح کردید هر گاه از مردمی کردن اقتصاد صحبت می کنیم موضوعی که به ذهن متبادر می شود بحث اصل ۴۴ است یعنی ساز و کار مردمی کردن اقتصاد. منتها در دیدار اخیر که مقام معظم رهبری در ماه رمضان گذشته با دانشجویان داشتند در پاسخ به بحث خطر لیبرالیزم اقتصادی در خلال واگذاری های اصل ۴۴ فرمودند اگر آن مدلی که در اصل ۴۴ ابلاغ شده، درست پیاده سازی و اجرا شود ما به این سمت حرکت نخواهیم کرد. جمع بین این دو اتفاق چگونه خواهد بود؟

وقتی از اقتصاد مردمی صحبت می کنیم در حقیقت یک بخش این است که سهم دولت، بخش خصوصی و تعاونی را مشخص کنیم که سیاست های اصل ۴۴ تقریباً این کار را کرده است. منتها اصل ۴۴ نمی تواند اقتصاد را مردمی کند. مردمی کردن اقتصاد فراتر از تعیین سهم بخش هاست. اقتصاد مردمی از تحول در زیر ساخت ها شروع می شود. تحول در نهاد دولت، تحول در نهاد بازار، تحول در نهاد خانواده و هم چنین تحول در نهاد علم. تا این نهادها متحول نشوند زیر ساخت ها برای مردمی کردن اقتصاد فراهم نمی شود.

خب یکی از راهکارها برای پیاده سازی همین تحولات در نهادهاست.

اصل اقتصاد مردمی به تحول زیر ساخت ها بر می گردد. بازار ایران هیچ مبنایی ندارد یعنی معلوم نیست الان چه مقدار ارز در بازار وجود دارد کسی از این اطلاع ندارد. در حالی که وقتی می خواهیم ۵۰۰ دلار در خارج از کشور جابه جا کنیم آمریکا متوجه می شود که از کدام بانک به کدام بنگاه انتقال یافته است. خود دولت از وضعیت بازار داخلی خود چنین اطلاعی ندارد. این نشان می دهد که به جای اینکه برویم بازاری ها را بگیریم باید بازار را درست کنیم. چقدر می شود بازاری را دستگیر کرد در حالی که اگر بازار درست شود اختلال ارزی هم وجود نخواهد داشت.

خب بازارها در ایران تنظیم نیست و این یک نمونه مهم برای اثبات این است که تحول در زیر ساخت ها لازم می آید مردمی کردن زیر ساخت هاست. نهاد خانواده از زن خانواده گرفته و نقش آن در تولید کجاست. در گذشته ما کسب و کارهای خانگی داشتیم یعنی یک خانواده کشاورزی

داشت، دامداری هم داشت و دارقالی هم داشت یک منابع عظیم درآمدی داشت. حالا همه این ها از دست رفته است برای افرادی که کوچ کرده اند و در شهرهایی مثل مشهد شایه نشین شده اند دچار بزه های اجتماعی

سحرآمیز انقلاب یعنی مردمی کردن اقتصاد. در مردم منابع و امکانات بسیار عظیمی وجود دارد که اگر اینها در اقتصاد فعال شوند یک تحول بزرگ و یک شکوفایی عظیم در اقتصاد ایران صورت می گیرد. پس اولین ویژگی اقتصاد مقاومتی مردمی بودن آن است. در واقع اقتصاد مقاومتی ۱۰ اصل دارد که اولین و مهمترین آن مردمی بودن است و دومین اصل آن صرفه جویی است و نه ریاضت. در کشور ما ۳ انحراف در اقتصاد وجود دارد یکی تخصیص غلط یا همان تصمیم گیری های غلط، دومی حیف و میل و سومی فساد اقتصادی. الان همه توجهات رفته است به سمت فساد اقتصادی در حالی که حیف و میل های اقتصادی بیشتر از فساد اقتصادی است و تصمیم گیری غلط چند برابر حیف و میل اقتصاد ایران را با نا کارآمدی مواجه کرده است. صرفه جویی که می گوئیم شامل همه اینها می شود. صرفه جویی اول از تصمیمات در دست اقتصادی شروع می شود. دوم از حیف و میل های اقتصادی جلوگیری می کند و سوم یک مبارزه اصولی با فساد نه صرفاً در قوه قضاییه. چون مبارزه با فساد باید اول از خود دولت برای اداره کشور شروع شود نهایتاً به قوه قضاییه برگردد.

قبلاً در جایی شما عبارتی را گفته بودید که جالب به نظر رسید. گفته بودید که انقلاب عرصه شکل گیری سیاست ملی، جنگ عرصه شکل گیری دفاع ملی و تحریم ها عرصه شکل گیری اقتصاد ملی ماست. توضیح بیشتری می دهید؟

ببینید ایرانی های یک حسنی از خودشان نشان دادند و آن اینکه تهدیدات را تبدیل به فرصت کردند. ملت ایران برای مقابله با هر تهدیدی ۲ کار صورت داده اند. در واقع ۲ دستاورد به دست آورده اند. یکی اینکه خود تهدید را بر طرف می کنند و دوم اینکه شرایط را به حالت بهتری از شرایط قبل از تهدید بر می گردانند. ما در انقلاب همین کار را کردیم. در انقلاب نه تنها استبداد و استکبار را کنار زدیم بلکه به سمت سیاست اسلامی و ملی رفتیم. ما بعد از صفویه تا زمان پهلوی سیاست ملی و سیاست خارجی نداشتیم. کشوری سیاست خارجی و ملی دارد که استقلال داشته باشد.

بنابراین ما سیاستی نداشتیم. ما در انقلاب سیاست ملی خودمان را بدست آوردیم. در جنگ ۸ ساله ما به دفاع ملی رسیدیم. اقتدار دفاعی خودمان را در دفاع مقدس بدست آوردیم. حالا با تحریم های اقتصادی مواجه شده ایم اگر صرفاً تحریم های اقتصادی را خنثی کنیم بر می گردیم به قبل از

در کشور ما ۳ انحراف در اقتصاد وجود دارد یکی تصمیم گیری های غلط دومی حیف و میل و سومی فساد. الان همه توجهات رفته است به سمت فساد اقتصادی در حالی که حیف و میل های اقتصادی بیشتر از فساد اقتصادی است و تصمیم گیری غلط چند برابر حیف و میل اقتصاد ایران را با نا کارآمدی مواجه کرده است

در واقع باید تحریم ها را تبدیل به یک خیزش کنیم به یک انقلاب تبدیل کنیم که نه تنها تحریم ها را خنثی کنیم بلکه اقتصاد ملی ایران را درست کنیم

